

در هشتمین مراسم اهدای جایزه امین‌الضرب، اقتصاددانان و فعالان اقتصادی موانع توسعه کشور را مرور کردند

کارآفرینان در حاشیه



نیلی همچنین گفت: «شک نکند که تعداد زادوولد هم در آن حالت به مراتب بیشتر از حالت هشداردهنده فعلی می‌شد که شوروبختانه به محرک‌های عجیب و ناکارآمدی که هر روز اعلام می‌شود، پاسخ نمی‌دهد.

دولت ما می‌توانست بدون آنکه در تئکنای کسری بودجه مزمن باشد، با بودجه سالانه در حدود ۲۵۰ میلیارد دلار، خدمات عمومی را با کیفیت ممتاز ارائه کند. کارشناسانی با توان را به استخدام درآورد، سالانه بیش از ۶۰ میلیارد دلار در زیرساخت‌ها سرمایه‌گذاری کند، آموزش و بهداشت را با کیفیتی قابل قبول در اقصی نقاط کشور عرضه کند و حمل‌ونقل عمومی را توسعه مکفی دهد به‌گونه‌ای که جابه‌جایی بار و مسافر با قیمت‌های واقعی انرژی به‌راحتی انجام شود. دولت می‌توانست منابع کافی را برای حفاظت از ظرفیت‌های زیست‌محیطی مانند دریاچه ارومیه عزیز از یک طرف و میراث فرهنگی و تاریخی از طرف دیگر، اختصاص دهد. به این فهرست رؤیایی می‌توان همچنان افزود و تصورات ذهنی را متعاقب آن به حرکت درآورد. اما واقعاً چه شده است که این‌گونه نیستیم؟»

او تأکید کرد: «وقتی چشم‌ه‌ایم را باز می‌کنم و به اطرافم می‌نگرم، سیل غم‌ها به قلمب هجوم می‌آورد. آخر چطور ممکن است کشوری تا این اندازه ثروتمند، این‌گونه فقیر باشد؟ آیا این باورکردنی است که کشوری با رتبه دوم گاز و رتبه چهارم در نفت، نه‌تنها در تأمین انرژی جهانی جایگاهی نداشته باشد، بلکه حتی در تأمین انرژی مورد نیاز خود نیز دچار استیصال باشد؟ چطور می‌توان پذیرفت که برای کشوری با این حجم عظیم از منابع، دولتی با کسری بودجه مزمن و رو به افزایش، ارائه‌دهنده خدمات با کیفیت نازل باشد؟ تعداد درخور توجهی از کشورهای جهان که فاقد هرگونه منابع طبیعی خدادادی بوده‌اند، چگونه توانسته‌اند تورم‌های پلیدار زیر پنج درصد و نرخ‌های بی‌کاری زیر پنج درصد و رشدهای اقتصادی بیش از پنج درصد داشته باشند؟» او افزود: «چرا ما هنوز درگیر بحث‌های تمام‌نشدنی از قبیل اینکه عدالت اجتماعی بهتر است یا رشد اقتصادی –حال آنکه ما خود به هیچ‌یک دست نیافته‌ایم– با اینکه علم اقتصاد علم است یا شبه‌علم هستیم؟ چرا درحالی‌که بانک‌های ما با نرخ‌های سود در دامنه ۳۰ درصد فعالیت می‌کنند، بانک‌های کشورهای دیگر را که با هزینه ناچیز فعالیت‌های اقتصادی را تأمین مالی می‌کنند، مورد نکویش قرار می‌دهیم که ربوی هستند! درحالی‌که کالاهای مصرفی و بعضاً واسطه‌ای صنعتی مورد نیاز کشور از طریق مسیرهای کوهستانی و به طریی عجیب و غیرانسانی وارد کشور می‌شود، چرا حاضر به پذیرش یک تجارت کم‌هزینه متعارف نیستیم.»

این اقتصاددان در ادامه گفت: «به‌راستی آیا پاسخی درخور به این سؤالات وجود ندارد؟ آیا سرب‌آوردن این همه مسئله از درون یک کشور، نبود آگاهی نسبت به چرایی بروز این مشکلات و عدم توان ارائه راه‌حل برای آنهاست؟

درحالی‌که منابع آبی کشور به‌سرعت در حال اتمام است، تولید انرژی هیچ تناسبی با مصرف به‌شدت رو به افزایش آن ندارد و ما را به‌سرعت به بروز بحران انرژی نزدیک می‌کند، بودجه دولت به‌رغم ارائه حداقل خدمات و میزان نازل سرمایه‌گذاری، با کسری نگران‌کننده روبه‌رو است، صندوق‌های بازنشستگی ورشکسته هستند، بانک‌ها از مشکلات عمیق ناترازی و عدم کفایت سرمایه رنج می‌برند، نظام ارزی کشور به‌شدت فسادآفرین است، دریغ از یک سؤال مسئولانه که چرا این‌گونه شده‌ایم؟»

نیلی همچنین تأکید کرد: «وقتی سال ۱۳۹۶ نام این مشکلات

شرق: «فردا را خودمان می‌سازیم؛ این جمله‌ای است که مسعود نیلی، اقتصاددان، روز گذشته در هشتمین دوره جایزه کارآفرینی امین‌الضرب به زبان آورد و با اشاره به مشکلات جدی اقتصاد کشور در چند دهه گذشته، گفت: «همه ما در برابر پرسش‌های نسل آینده مسئولیت داریم». این اقتصاددان از گره‌های کور سر راه توسعه کشور گفت و اینکه با منابع عظیم نفت و گاز و سایر پتانسیل‌های اقتصادی به‌راحتی می‌شد این گره‌ها را گشود و به توسعه رسید.

همچنین محمود نجفی‌عرب، رئیس اتاق بازرگانی تهران، گفت کارآفرینان در ایران قدر نمی‌بینند، درصورتی‌که نقش بسیار مهمی در توسعه و اقتصاد کشور دارند.

او گفت در شرایطی که تفکر مهاجرت از ایران رایج شده است، کارآفرینان با تمام مراثت‌ها پای آینده کشور ایستاده و مانده‌اند.

مسعود خوانساری، رئیس پیشین اتاق تهران نیز در این مراسم تأکید کرد که رشد بخش خصوصی باعث تجربه دموکراسی و تقویت و ثبات آن در کشور می‌شود.

ایران آن چنان که باید باشد...

مسعود نیلی، اقتصاددان و استاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، در این مراسم با اشاره به مشکلات کشور در دهه‌های گذشته، از مسئولیت همگان در برابر پرسش‌های نسل آینده گفت.

او گفت: «۴۰ سال پیش وقتی پا به عرصه علم اقتصاد گذاشتم، سؤال‌هایی بزرگ مرتبط با آرزوهایی بزرگ‌تر در سر داشتم. با اشتیاق می‌خواستم بدانم چگونه می‌توان به یک کشور توسعه‌یافته تبدیل شد. برای دانستن اینکه آثانی که به این مرحله رسیده‌اند، چه کرده‌اند، س‌را از نمی‌شناختم. اینکه یک کشور درحال‌توسعه برای آنکه بتواند به رشدهای اقتصادی بالا دست پیدا کند، لازم است چه کار کند. برایم دغدغه‌ای جدی بود. در ۴۰ سال گذشته، بخش زیادی از آنچه یاد گرفته‌ام، پاسخ‌های مختلف و از زوایای مختلف مرتبط با این سؤالات بوده است. این سؤالات مربوط به رویاهایی بوده‌اند که از همان سال‌های اول در سر داشته‌ام. این رویاها هرچند هیچ‌گاه من را رها نکرده‌اند اما با عبور از مراحل جوانی به میانسالی و سپس مراحل بعدی، تنها پخته‌تر، بهنگام‌تر و واقع‌بینانه‌تر شده‌اند.

این اقتصاددان ادامه داد: «در مسیر شکل‌گیری و تحولات رویاهایم، توسعه‌یافتگی کشورم را در گاز با قطر، در نفت با عربستان، در توریسم در صنعت با ترکیه و در موقعیت ممتاز جغرافیایی با امارات به‌عنوان کشورهایی که هرکدام به‌طور منفرد فقط یکی از مواهب ما را دارند، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دادم. وقتی فشار مشکلات طاق‌فرا می‌شود، چشم‌ها را می‌بندم و به رویاهایم می‌اندیشم. با خود می‌گویم کشوری که در گاز رتبه دوم جهانی را دارد، حتما می‌توانسته اقلاً به اندازه نصف همسایرش قطر، گاز صادر کند. کشوری که دارای رتبه چهارم در برخورداری از ذخایر نفتی است، یقیناً می‌توانسته به اندازه چهار میلیون بشکه نفت در روز صادر کند. ما حتما قادر بوده‌ایم که با مشارکت تولیدکننده‌های صنعتی معتبر جهانی، بزرگ‌ترین خودروساز و بزرگ‌ترین سازنده لوازم خانگی و ماشین‌آلات و تجهیزات در منطقه پیرامونی خود باشیم و بدون تردید ورود حداقل نیمی از تعداد گردشگرانی که به ترکیه می‌روند به ایران، تصویری خیالی محسوب نمی‌شده است.»

این اقتصاددان ادامه داد: «با این محاسبات، ما می‌توانسته‌ایم در مجموع، حدود ۲۵۰ میلیارد دلار صادرات و تولید ناخالص داخلی در حدود هزارو ۲۰۰ میلیارد دلار داشته باشیم. تحقق تورم سه درصد و نرخ بی‌کاری در همین حدود و رشد اقتصادی بیش از پنج درصد، امکان آرزوهایی خیالی تلقی نمی‌شده است. در چنین اقتصادی، فقر و بی‌کاری از کشور رخت برمی‌بست و بی‌معنی می‌شد. دیگر کودکی زباله‌گردی نمی‌کرد، آن جوان رعنا، کولبری نمی‌کرد، آن آموزگار سختکوش، مسافرکنشی نمی‌کرد و آن بانوی زحمتکش، از فشار فقر به مرگ دسته‌جمعی خانواده‌اش رو نمی‌آورد. در آن رؤیای شیرین، بهترین دانشگاه‌های جهان با دانشگاه‌های خوب و معماران تئاتنگی داشتند و جوانان تربیت‌یافته ما در مراکز تحقیق و توسعه می‌توانستند هوش مصنوعی را به درون صنایع پتروشیمی و خودرو و دیگر صنایع ببرند. ما می‌توانستیم در مرز تکنولوژی، سازنده خودروهای برقی و خودروهای بدون سرنشین باشیم. ما می‌توانستیم صادرکننده بزرگ صنعتی و خدماتی منطقه باشیم و کم‌آبی را کنترل کنیم. ایران می‌توانست مرکز مالی منطقه پیرامونی خود باشد و از این طریق مسئله‌ای به نام تنگنا تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی موضوعیت پیدا نمی‌کرد. زنان جوان و تحصیل‌کرده ما به‌جای تحمل نرخ‌های بی‌کاری بیش از ۵۰ درصد، می‌توانستند در کارخانجات و مراکز خدماتی پیشرفته کشور عزیزمان فعالیت کنند.»

پاسخ بانک مرکزی به گزارش «شرق»

بانک مرکزی در واکنش به گزارش «شرق» با تیتیر «FATF خودمانی!» که در تاریخ یک اسفند منتشر شد، پاسخی را به روزنامه «شرق» ارسال کرده است که در ادامه می‌خوانید:

رئیس کل بانک مرکزی در مراسم اختتامیه همایش اقتصاد مقاومتی با موضوع حکمرانی ارزی به تبیین سیاست های ارزی بانک مرکزی در حوزه‌های داخلی و خارجی پرداخت و در بخشی از این سخنان به موضوع سیر تحولات تعاملات تجاری و مراودات مالی کشور با دنیای خارج پرداخت و به موضوع تأثیر تحریم‌ها بر تعاملات تجاری اشاره کرد و گفت: «در شرایط کنونی نظام تجاری کشور ناشی از تحریم به سمت شرق متمرکز شده است، اما نظام مالی همچنان به این سمت حرکت نکرده است، ضمن اینکه نقل و انتقال ارزی از نظام بانکی به دلایل تحریم خارج شده است و از ابزارهای مختلفی در این زمینه استفاده می‌شود که این روند تعاملات را سخت و پرهزینه کرده است.»

دکتر فرزین در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر لزوم نهادهایی برای توسعه تعاملات تجاری با شرق به عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی از جمله بریکس اشاره کرد و گفت: «امروز اقتصادهای نوظهور سهم مهمی در تجارت جهانی دارند. کشورهایی که به دنبال سازوکارهای خاص هستند و با توجه به عضویت ایران در «بریکس» ما باید بتوانیم در این حوزه حضور بسیار قوی‌تری داشته باشیم. نهادهایی که به این نهادهای لازم استفاده کنیم، مثلاً امروزه ما به روسیه و چین در

از سنگ‌اندازی در مسیر فعالیت آنها جلوگیری شود. او در این مراسم گفت: «اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در حالی امروز ۱۴۰سالگی خود را جشن می‌گیرد که فعالان اقتصادی با اتکا به این تاریخ برپار، خود را منادی و مروج گفتمان توسعه، دموکراسی و حلقه واسطه کنشگری در ایران می‌دانند. شاهد مثال اینکه مجلس وکلای تجار پیش از جنبش مشروطیت قدم به عرصه گذاشته و مجلس اول مشروطه، با کمک و حمایت مجلس وکلای تجار و جامعه اقتصادی کشور تأسیس شد. مصداق عملکرد اتاق تهران برای توسعه، تجدد، نوسازی و پیشرفت و برون‌رفت از انسداد و بحران به جریان مشروطیت ایرانی و تأسیس مجلس اول شورای ملی بامی‌گردد که ساختار ایران نوین را متجلی کرده است.»

نجفی‌عرب ادامه داد: «همچنین تنظیم فرمان مشروطیت و قرائت آن در خانه حاج محمدحسن امین‌الضرب و پرداخت هزینه اداره مجلس اول مشروطه از طرف فرزند او و صیانت و نگهداری از نهال دموکراسی ایرانی از سوی جامعه تجار و کارآفرینان تهرانی، سند دیگری بر تکمیل و تأیید این مدعاست. براساس این اتاق بازرگانی، اکنون خود را نهادی تاریخ‌ساز و صاحب گفتمان می‌داند و به‌درستی داعیه آن را دارد که در سراسر ۱۴۰ سال گذشته، همواره منافع ملی را بر هر اصل دیگری ترجیح داده است.»

رئیس اتاق تهران در ادامه تأکید کرد: «تاریخ جامعه کارآفرینی به همگان آموخته که فعالان اقتصادی هیچ‌گاه خود را از مسیر حل‌وفصل بحران‌های ملی کنار نکشیده‌اند. اگر بیش از یک قرن قبل، قحطی غذا و آذوقه مشکل جامعه و ملت ایران بود، امروز کمبود امید و آفول رؤیاپردازی سازنده، مسئله جامعه ما است.

همان‌طورکه نیاکان ما در مجلس وکلای تجار در ۱۴۰ سال قبل، هر آنچه دارایی در اختیار داشتند، پیشکش مردم شریف ایران کردند تا بحران تأمین آذوقه مردم حل شود. امروزه نیز جامعه کارآفرینی ایران آماده است تا هرچه را در توان دارد، برای بازگشت روحیه امید و رؤیا به نسل جوان صرف کند و براساس این نیز تاکنون نشان داده که بدون هیچ تردید و با وجود دست‌وپنجه نرم‌کردن با انبوهی از مشکلات و مداخلات، هرگز خاک ایران عزیز را برای زندگی در عافیت، ترک نخواهد کرد.»

نجفی‌عرب همچنین گفت: «در زمانه‌ای که مهاجرت به یک فرهنگ عمومی تبدیل شده، کمتر کارآفرین و صاحب کسب‌وکار بر کسی را می‌بینید که جلالی وطن کند. به‌واقع قلب این افراد برای ایران و در این سرزمین می‌تپد؛ چنان‌که به روایت بزرگ‌مرد مهندسی ایران، مرحوم احمد حامی «آن قلبی که برای ایران نمی‌تپد، بهتر است که هرگز نتپد.»

او در ادامه گفت: «درحالی‌که در تمام کشورهای جهان، ارکان حاکمیت، دولت و مردم دائماً درحال ستایش کسانی‌اند که با کسب‌وکارشان ارزشی برای خلق ایجاد کرده و روند ساخت تمدن مهیا کرده‌اند، متأسفانه جامعه ایران هنوز به این یقین نرسیده که در پس ظهور و طلوع یک کسب‌وکار، سال‌ها سختکوشی و زحمت یک کارآفرین نهفته است.»

رئیس اتاق تهران تأکید کرد: «شوروبختانه از سال‌های آغازین تأسیس دولت مدرن در ایران، تلاش‌های مستمر بخش خصوصی در ایفا نقش ملی و نیز احیای وجهه اقتصادی با ناکمی مواجه شده است. اعتمادداشتن به کارآمدی و توانمان صداقت در عملکرد، در روی سکه نگاه دولت به فعالان اقتصادی ایرانی را مشخص می‌کند.

این نگاه متفاوت در کنار سوبودداشت‌های طبقاتی و نیز تحلیل چپ‌گرایانه از اقتصاد، موجب شده است که کارآفرینی در مفهوم اجتماعی آن نه منادی امید، انگیزه و ارزش‌افزایی؛ بلکه مروج خشک‌انطباقی و انزاری برای سودجویی و تجمع ثروت ناپاک ارزیابی شود که این خود نیز فزایی مضاعف و ناحق در ادای دین به کسانی است که با درهم‌میختن دیدگاه ملی و آموخته‌های دینی، کمر همت به بازسازی اقتصاد وطن بسته‌اند.»

او افزود: «نه‌تنها اقتصاد؛ بلکه جامعه ایران امروز نیازمند ترویج اندیشه کسانی است که در بزنگاه‌های حساس تاریخی، شجرت‌های استراتژی‌اتن را در دستان‌بازان مانند ایرانی، خسروشاهی، اقتصاد وطن شده‌اند. کارآفرینان در یک دهه گذشته، دلایل بسیاری برای دل‌زدگی از کسب‌وکار داشته‌اند. موانع مختلف از اقتصاد دستوری گرفته تا فساد و بحران‌های ناشی از حکمرانی نامطلوب، همگی قدرت لازم و کافی برای تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارها را داشته‌اند؛ اما دلسوزی برای آینده ایران و نگاه ملی کارآفرینان، آنان را در سکر اقتصاد و در خط مقدم مبارزه با تحریم‌ها نگه داشته است.»

رئیس اتاق تهران همچنین گفت: «اکنون در این زمانه سخت، مهم‌ترین رسالت جامعه فعالان اقتصادی این است که بتوانند با حفظ اتحاد و وطن صبدایی رسا، مطالبه‌گر خواسته‌های جامعه کارآفرینی باشند. جوانان ایران درصورتی‌که با داستان زندگی و سختکوشی جامعه کارآفرینی آشنا شوند، می‌توانند با قدرت و توان بیشتری قدم در این مسیر بگذارند. در ۱۴۰ سال گذشته، بخش خصوصی ایران با حفظ وحدت، اعتدال و مپهن‌دوستی به توسعه اقتصاد ملی خدمت کرده است. ترویج فرهنگ کارآفرینی، امروز باید به یک اصل خدشه‌ناپذیر تبدیل شود.»

نهادهای مشترک و نظام‌هایی مثل سوییفت و FATF برای خودمان در بریکس ایجاد کنیم و به سمت مبادلات پولی با کشورها حرکت کنیم. روابط عمومی بانک مرکزی ضمن تکذیب این برداشت نادرست روزنامه «شرق» از اظهارات دکتر فرزین در مراسم اختتامیه همایش اقتصاد مقاومتی، تمامی همکاران رسانه‌ای را به رعایت دقت در انتشار اخبار بریکس برای خود یک FATF داشته صاحبان قلم و رسانه در این روزنامه باشد تا مطالب دقیق و درست به جامعه منتقل شود.

اداره روابط عمومی

پاسخ «شرق»

«شرق» در گزارش خود به منبع انتشار خبر یعنی ایسنا اشاره کرده است و با وجود آنکه شمار زیادی از رسانه‌های کشور عیناً خبری را که مورد استناد «شرق» بوده، منتشر کرده‌اند، بانک مرکزی قصور را از جانب روزنامه «شرق» دانسته که از قضا از سوی بانک مرکزی، برای دعوت به این مراسم نادیده انگاشته شده است. بدیهی است در صورتی که بانک مرکزی برای دعوت به کنفرانس‌های خبری و مطبوعاتی گزینشی عمل نکرده و سایر رسانه‌ها را حذف نکند، جامعه رسانه‌ای کشور بهتر می‌تواند در انتقال درست مفاهیم نقش آفرینی کند و گزارش‌های اختصاصی خود را داشته باشد؛ نه آنکه با اقدامات حذقی، سایر رسانه‌ها ناچار باشند برای نقل خبر، به رسانه‌های انتخابی بانک مرکزی استناد کنند.

یادداشت

شکست مذاکرات حقوقی حقایه هیرمند

فرشید عابدی: بیست‌وهفتمین نشست کمیساران آب هیرمند با حضور نمایندگان ایران و افغانستان اواخر بهمن امسال در شهر زابل برگزار شد و با وجود پافشاری نمایندگان کشورمان بر اتخاذ تصمیمات لازم برای رفع موانع و ارائه برنامه زمانبندی رهاسازی آب برای تأمین حقایه، همچون نشست‌های چند سال اخیر به دلیل همراهی نکردن و نبود اراده کافی در طرف مقابل به نتیجه نرسید.

طبق عرف دیپلماتیک حقایه ایران از رودخانه هیرمند را بنا به شرایط از سه راه مذکره حقوقی در قالب کمیساران آب هیرمند، سیاسی و امنیتی می‌توان دنبال کرد.

نبود قوانین سختگیرانه در حوزه رودخانه‌های فرامرزی و حتی نبود ابزارهای مناسب در معاهده دلتا، عمده دلایل شکست مذاکرات حقوقی حقایه در ۲۷ نشست کمیساران به شمار می‌رود، بنابراین پیش از احداث بند کمال‌خان برای تأمین حقایه، باید مذاکرات سیاسی به موازات مذاکرات حقوقی انجام می‌شد.

متأسفانه کمیساران آب ایران ذیل وزارت نیرو در قالب معاهده دلتا عملکرد مطلوبی نداشتند. احداث بند کمال‌خان در دهه ۹۰ شتاب بیشتری گرفت و در بهمن سال ۹۹ عملیات آب‌گیری این بند آغاز شد.

با وجود اینکه سامانه انحرافی بند مذکور مسیر اصلی رودخانه هیرمند را تغییر می‌داد و مانعی بر سر راه تأمین حقایه بود، اما دفتر رودخانه‌های مرزی و منابع مشترک وزارت نیرو در قالب جلسات کمیساران به‌جز ارسال یادداشت اعتراضی اقدامی نکرد و با وجود اینکه ایجاد سازه‌های هیدرولیکی و کانال‌های متعدد انحراف و انتقال آب از لحاظ حقوقی، مسیر طبیعی رودخانه را تحت تأثیر قرار داده، هیچ شکایتی در محاکم قضائی انجام نشد.

با وجود هشدارهای کارشناسان مسائل آبی از نیمه دهه ۹۰ و هشدار مرکز بررسی‌های استراتژی نهاد ریاست‌جمهوری به وزارتخانه‌های نیرو و خارجه مبنی بر تکمیل‌شدن بند کمال خان و پیامدهای آن، به موازات تکمیل‌شدن بند کمال خان در ولایت نیمروز، طرح موسوم به ۴۶ هزار هکتار با اعتبار ۸۵۰ میلیون دلار به بهره‌برداری رسید تا منطقه سیستان از لحاظ آب به افغانستان وابسته‌تر شود. در سایه سکوت دفتر رودخانه‌های مرزی به بهانه بهره‌برداری از طرح مذکور حدود ۳۰۰ یا ۴۰۰ میلیون مترمکعب از ذخایرچاهیمرد در لوله‌های طرح ۴۶ هزار هکتاری معادل بیش از ۱۰ سال مصرف آب شرب سیستان رهاسازی شد.

با توجه به اینکه با به‌مخاطره‌افتادن امنیت آبی، غذایی سیستان و در میان‌مدت امنیت ملی پس از احداث بند کمال خان در راستای سیاست‌های آبی افغانستان دور از ذهن نبود، بنابراین انتظار می‌رفت پس از افتتاح این بند در سال ۱۴۰۰، مسئله حقایه هیرمند در شورای عالی امنیت ملی بررسی شود تا به طور منسجم از همه ابزارهای حقوقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی برای احقاق حقوق ملت ایران بهره برده شود.

پس از گذشت قریب به سه سال از آب‌گیری بند کمال خان و متعاقب آن خشک‌شدن سه چاه‌نیمه و باقی‌ماندن کمتر از ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب در چاه‌نیمه ۳، دستگاه دیپلماسی همچنان از طریق کانال‌های حقوقی و بعضاً سیاسی مناقشه هیرمند را پیگیری می‌کند.

دستگاه دیپلماسی ایران برای حل مناقشه هیرمند باید واقع‌نگرانه استراتژی افغانستان نسبت به مسئله آب را تعریف کند تا بتواند برای آن ضد استراتژی تعریف کند.

برخی افراد ادعای هیئت حاکمه افغانستان مبنی بر وجود خشک‌سالی را بدون مطالعه مفاد معاهده دلتا پذیرفته‌ند و در هر سال آبی منتظر باران و رهاسازی حقایه هستند. برخی از کارشناسان معتقدند سدسازی‌های افغانستان مانند ترکیه در راستای مهندسی اجتماعی و گسترش و پرکنش پشتون‌ها در ولایت نیمروز و در امتداد مرز ایران رخ داده است. طبق ابرار انتشاریافته رسانه‌های افغانستان، کانال‌های انحراف و انتقال آب ترکو و قلعه افضل با هدف احیای ۴۹ هزار هکتار از اراضی گودزره و اسکان ۴۹ هزار خانواده پشتون در آن منطقه احداث شده است.

بعضی از کارشناسان اعتقاد دارند احداث سازه‌های هیدرولیکی و هویتی‌کردن مسئله آب در افغانستان برای تشدید تنش آبی در شرق ایران برای گرفتن امتیاز اقتصادی و انرژی رایگان صورت گرفته است، به نظر می‌رسد چنین تئوری در حکومت جمهوری بیشتر مطرح بوده است.

پس از تسلط طالبان بر افغانستان با وجود اینکه بسیاری از سرمایه انسانی متخصص سدسازی این کشور به سایر کشورها مهاجرت کردند، اما گروه طالبان برای جلوگیری از ورود آب به کشورهای همسایه با احداث کانال‌های انتقال و انحراف آب، سطح زیر کشت خشخاش و سایر محصولات کشاورزی به‌ویژه در منطقه لشکرگاه را افزایش دادند. اقدام مشابه در ایجاد گسترده در شمال افغانستان با احداث فاز اول کانال قوش‌تپه انجام شده که در کوتاه‌مدت امنیت آبی و غذایی کشورهای آسیای مرکزی حوضه «ریای آرال را به مخاطره می‌اندازد و باعث تشدید پدیده گرد و غبار در منطقه شمال و شمال شرق ایران خواهد شد.

گمانه‌زنی‌های کارشناسان مسائل افغانستان در خصوص قرارداد قطر و رویکردهای هیدروپلیتیکی افغانستان نشان می‌دهد که با تغییر حکومت در افغانستان در راستای سیاست‌های ایالات متحده، سیاست گرفتن امتیاز در قبال آب به تنش آبی و به چالش کشیدن منطقه بدل شده است.

با توجه موقعیت جغرافیایی افغانستان، محصوربودن این کشور توسط شش کشور در خشکی و از همه مهم‌تر داشتن حوضه آبریز مشترک با پنج کشور همسایه و داشتن مناقشه آبی با آنها، این امکان را به کشورهای آسیای مرکزی، ایران و پاکستان می‌دهد که با اجماع بین‌المللی خطر تنش آبی و معضلات زیست‌محیطی را دفع کنند.